

ارتباط بین موضوعات کلیدی حسابرسی و استراتژی‌های مدیریت سود

ابراهیم نویدی عباسپور^۱

فاطمه منافعی^۲

صالح بهروز گجین^۳

(تاریخ دریافت ۱۴۰۴/۱/۲۱ - تاریخ تصویب ۱۴۰۴/۴/۵)

نوع مقاله: علمی پژوهشی

چکیده

هدف این مقاله بررسی واکنش‌های مدیریت سود شرکت‌ها به افشای موضوعات کلیدی حسابرسی در گزارش‌های حسابرسی است. اگرچه ادبیات موجود به طور گسترده‌ای ارتباط بین مدیریت سود و خطرات مختلف را بررسی کرده است، تحقیقات کمی تاکنون رابطه بین افشای موضوعات کلیدی حسابرسی و استراتژی‌های مدیریت سود (مدیریت سود واقعی و مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی) را بررسی کرده‌اند. برای آزمون فرضیات، تعداد ۱۱۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره زمانی ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۲ انتخاب شده است. نتایج نشان می‌دهد که رابطه متفاوتی بین

^۱ - گروه حسابداری، واحد مرنند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرنند، ایران

^۲ - گروه حسابداری، واحد مرنند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرنند، ایران (نویسنده مسئول) fatemeh.manafi@iau.ir

^۳ - گروه حسابداری، واحد مرنند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرنند، ایران

موضوعات کلیدی حسابرسی افشا شده در گزارش حسابرسی و استراتژی‌های مدیریت سود وجود دارد. به طور خاص، یافته‌ها نشان می‌دهد بکارگیری استراتژی‌های مدیریت سود (مدیریت سود واقعی و مدیریت سود مبتنی بر اqlام تعهدی) بستگی به تعداد و نوع موضوعات کلیدی و همچنین محتوای موضوعات کلیدی دارد. این موضوعات می‌تواند رویکرد مدیران را در جهت تغییر دستکاری سود از طریق اqlام تعهدی به دستکاری رویدادهای واقعی یا برعکس تغییر دهد. این مطالعه به درک بهتر تأثیر شفافیت اطلاعات مالی و کیفیت حسابداری بر رفتار شرکت‌ها به‌ویژه در چگونگی تطبیق شیوه‌های مدیریت سود شرکت‌ها در پاسخ به نظارت حسابرسی کمک می‌کند.

واژگان کلیدی: مدیریت مبتنی بر اqlام تعهدی، مدیریت سود واقعی، موضوعات کلیدی حسابرسی، گزارش حسابرسی.

مقدمه

حسابداری به‌عنوان زبان تجارت، نقش مهمی در تصمیم‌گیری‌های مفید برای طیف گسترده‌ای از استفاده‌کنندگان که به پیشرفت شرکت‌ها علاقه‌مند هستند، ایفا می‌کند. این زبان باید دیدگاهی صحیح و منصفانه (نمایش عادلانه) از عملکرد شرکت را ارائه دهد، که این امر هدف اصلی صورت‌های مالی است. اگر مدیران به‌صورت عمدی گزارش‌های مالی را برای اهداف دیگر تغییر دهند، مشکلات جدی نه‌تنها برای استفاده‌کنندگان اصلی صورت‌های مالی بلکه برای جامعه به‌طور کلی ایجاد خواهد شد. بحران اقتصادی و مالی که در سال ۲۰۰۸ در ایالات متحده آغاز شد و تأثیر جهانی آن شواهد روشنی از این موضوع است. بسیاری از محققان، مدیران شرکت‌های بزرگ و همچنین نهادهای نظارتی ناظر بر اطلاعات مالی و اقتصادی آن‌ها، یعنی حسابرسان، و همچنین مؤسسات مالی را به‌عنوان مقصر این بحران دانسته‌اند (گومز-اورتیگا و همکاران^۱، ۲۰۲۲؛ پوجه و زمان گروف^۲، ۲۰۲۲؛ سیکا^۱، ۲۰۰۹).

^۱ - Gómez-Ortega et al

^۲ - Poje, T., & Zaman Groff

با توجه به اهمیت اقتصادی گزارش‌های سالانه، حسابرسان مستقل نقش کلیدی در افزایش اعتبار صورت‌های مالی ایفا می‌کنند. این حسابرسان، گزارشی تحت عنوان "گزارش حسابرسی" ارائه می‌دهند که نامه‌ای خطاب به سهامداران شرکت‌های حسابرسی شده است و در آن نظر خود را درباره این که آیا صورت‌های مالی مطابق با اصول پذیرفته شده حسابداری تهیه شده‌اند و دیدگاهی صحیح و منصفانه از عملکرد شرکت ارائه می‌دهند، بیان می‌کنند. پیش از سال ۲۰۱۶، گزارش‌های حسابرسی سنتی تنها شامل یک نظر کلی تأیید/رد بودند و اطلاعات کمی در مورد چگونگی رسیدن به این قضاوت ارائه می‌دادند. اما در واکنش به رسوایی‌های جهانی، مانند پرونده‌های پارمالات، انرون، وایرکارد، توشیبا، بانکیا، گوکس و اخیراً گریفولس، و همچنین بحران مالی و اقتصادی ۲۰۰۸، مقررات جدیدی توسط هیئت بین‌المللی استانداردهای حسابرسی و تضمین در سال ۲۰۱۵ و هیئت نظارت بر حسابرسی شرکت‌های عمومی در سال ۲۰۱۸ معرفی شد. این مقررات حسابرسان را ملزم به تهیه گزارش‌های حسابرسی گسترده‌تر با افشاهای اضافی، شامل "موضوعات کلیدی حسابرسی" کردند (اسمیت^۲، ۲۰۲۳).

هدف از معرفی موضوعات کلیدی حسابرسی افزایش سودمندی نظر حسابرسان و بهبود نظارت بر فرآیند حسابرسی است (مینوتی-مزا^۳، ۲۰۲۱). بر اساس استاندارد بین‌المللی حسابرسی ۷۰۱، موضوعات کلیدی حسابرسی به عنوان افشاهای مربوط به موضوعاتی تعریف می‌شوند که از حسابرسی صورت‌های مالی ناشی شده‌اند و به حساب‌های مهم مرتبط بوده و شامل قضاوت‌های پیچیده، ذهنی یا چالش‌برانگیز حسابرسان هستند. با وجود ماهیت خصوصی حرفه حسابرسی، این حرفه در جهت منافع عمومی فعالیت می‌کند و با اطمینان از قابلیت اتکای اطلاعات مالی و ارائه تضمین معقول درباره دقت آنها، نقشی اساسی ایفا می‌کند. بازارهای مالی نیز به شرکت‌های بورسی که صورت‌های مالی حسابرسی نشده منتشر می‌کنند، واکنش منفی نشان می‌دهند. نمونه‌ای از این مسئله، شرکت چندملیتی اسپانیایی «گریفولس» است که در زمینه مشتقات پلاسما فعالیت دارد. این شرکت به دلیل انتشار صورت‌های مالی سالانه حسابرسی نشده، از سوی آژانس‌های رتبه‌بندی و بازار

^۱ - Sikka

^۲ - Smith

^۳ - Minutti-Meza

سرمایه با سؤالاتی مواجه شده است. هنوز پیامدهای جهانی این موضوع مشخص نیست، اما سهام شرکت گریفولس تنها در یک روز پس از پذیرش اینکه نتایج مالی افشا شده حسابرسی نشده‌اند، ۳۵٪ کاهش یافت و توانایی ادامه فعالیت این شرکت نیز به دلیل مشکلات احتمالی تأمین مالی زیر سوال رفته است (ژائو^۱، ۲۰۲۲).

ذینفعان صورت‌های مالی از سود برای اهداف مختلفی مانند ارزیابی عملکرد مدیریت، پیش‌بینی سودآوری آینده، و تعیین ریسک سرمایه‌گذاری در شرکت‌ها استفاده می‌کنند. با این حال، تنظیم‌کنندگان استانداردهای حسابداری نگران نحوه محاسبه ارقام سود هستند (حبیب و همکاران^۲، ۲۰۲۲). مدیریت سود را می‌توان به عنوان تغییر عملکرد اقتصادی گزارش شده شرکت‌ها توسط مدیران برای اهداف مختلف تعریف کرد (لئوز و همکاران^۳، ۲۰۰۳). این تغییرات مسئله‌ای در شفافیت و اعتبار صورت‌های مالی ایجاد می‌کند، زیرا اساساً سودهای حسابداری زمانی قابل اعتمادتر و اطلاعاتی‌تر هستند که رفتار فرصت طلبانه مدیران کنترل شود (دچو و همکاران^۴، ۱۹۹۶).

مطالعات قبلی ادعا می‌کنند که کیفیت بهتر حسابرسی فعالیت‌های مدیریت سود را کاهش می‌دهد (فرانسیس و همکاران، ۱۹۹۹؛ ون تندلو و ون استرالن، ۲۰۰۸). همچنین، حساب‌رسان نسبت به کیفیت سود نیز نگرانی دارند (دچو و همکاران، ۲۰۱۰؛ نلسون و همکاران، ۲۰۰۲). به همین دلیل، شناسایی و تصحیح زود هنگام اشتباهات یا تقلب‌ها توسط حساب‌رسان می‌تواند به جلوگیری از زیان‌های مالی قابل توجه و حفظ شهرت شرکت کمک کند (کنشل^۵، ۲۰۰۷). علاوه بر این، حسابرسی می‌تواند دسترسی به سرمایه را تسهیل کند، زیرا سرمایه‌گذاران و وام‌دهندگان اغلب صورت‌های مالی حسابرسی شده را به عنوان بخشی از فرآیند تصمیم‌گیری خود نیاز دارند. نظر مساعد حساب‌رسان می‌تواند اعتماد سرمایه‌گذاران را افزایش دهد و چشم‌انداز تأمین مالی آینده را بهبود بخشد (کنشل، ۲۰۲۱).

^۱ -Zhao

^۲ - Habib et al

^۳ - Leuz et al

^۴ - Dechow et al

^۵ - Knechel

با توجه به اطلاعات پیشین، این مطالعه واکنش‌های مدیریت سود نسبت به افشای موضوعات کلیدی حسابرسی توسط مدیران شرکت را بررسی می‌کند و هر دو استراتژی مدیریت سود تعهدی و مدیریت سود واقعی را مدنظر قرار می‌دهد. مدیریت سود تعهدی از طریق اندازه‌گیری تغییرات غیرعادی در اقلام تعهدی سرمایه در گردش با استفاده از روش دِفوند و پارک (۲۰۰۱) اندازه‌گیری می‌شود. مدیریت سود واقعی نیز با استفاده از دستکاری فروش و هزینه تولید (رویچودری^۱، ۲۰۰۶) اندازه‌گیری می‌شود. بر اساس چارچوب نظری ذینفع-نماینده‌گی، گزارش‌دهی گسترده حسابرسی باید به کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و تضاد منافع بین مدیریت، حسابرس خارجی و بازار سرمایه منجر شود.

این مقاله به درک بهتر پیامدهای افشای موضوعات کلیدی حسابرسی در گزارش حسابرسی گسترش‌یافته، کیفیت حسابرسی و شفافیت اطلاعات مالی کمک می‌کند. نتایج همچنین دارای پیامدهای عملی برای ذینفعان مختلفی مانند قانون‌گذاران، سرمایه‌گذاران و مدیران است. به عنوان مثال، اگر گزارش‌های حسابرسی شرکت حاوی موضوعات کلیدی حسابرسی یا موضوعات کلیدی حسابرسی سطح حساب باشد، سرمایه‌گذاران می‌توانند استنباط کنند که کیفیت حسابداری شرکت بهتر است، زیرا سطح مدیریت سود را کاهش می‌دهد.

این مطالعه در پنج بخش سازماندهی شده است. بخش دوم شامل مروری بر ادبیات قبلی درباره موضوعات کلیدی حسابرسی و مدیریت سود و فرضیه‌های تحقیق می‌باشد. بخش سوم نمونه، روش‌شناسی و متغیرها را معرفی می‌کند. بخش چهارم به بحث نتایج اختصاص دارد و بخش پنجم مربوط به نتیجه‌گیری و پیشنهادها می‌باشد.

مبانی نظری و توسعه فرضیه‌ها

افشای موضوعات کلیدی حسابرسی

در دهه‌های اخیر، نهادهای ناظر در بسیاری از کشورها از جمله ایران، در راستای افزایش شفافیت و پاسخ‌گویی در گزارش‌های حسابرسی، به تدوین استانداردهایی برای افشای موضوعات کلیدی

^۱ - Roychowdhury

حسابرسی روی آورده‌اند. به گفته صاحب‌نظران، موضوعات کلیدی حسابرسی مهم‌ترین تغییر در گزارش‌های حسابرسی طی هفت دهه گذشته در سطح جهان به شمار می‌آیند (قائمی و همکاران، ۱۴۰۳). این افشاها به‌منظور ارتقای کیفیت اطلاعات ارائه‌شده به ذی‌نفعان طراحی شده‌اند و حساب‌رسان موظف‌اند در گزارش حسابرسی، ریسک‌های بااهمیتی را که در فرآیند حسابرسی با آن مواجه شده‌اند، همراه با رویه‌های انجام‌شده برای رسیدگی به آن‌ها، افشا نمایند. با وجود اهداف نظری مثبت این استانداردها، نگرانی‌هایی درباره استانداردسازی بیش از حد، تکراری شدن افشاها، و کاهش محتوای اطلاعاتی آن‌ها مطرح شده است (پارت و همکاران^۱، ۲۰۲۲؛ سبیک و همکاران^۲، ۲۰۲۴).

در ایران، با تصویب و اجرای استاندارد بین‌المللی حسابرسی ۷۰۱ توسط سازمان حسابرسی و نهادهای ذی‌ربط، افشای موضوعات کلیدی حسابرسی در گزارش‌های سالانه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس الزامی شده است. با این حال، ویژگی‌های خاص محیط اقتصادی، نهادی و اطلاعاتی ایران، از جمله ضعف در نظام راهبری شرکتی، تمرکز مالکیت، نبود تقارن اطلاعاتی مناسب، و همچنین چالش‌های ساختاری در نهاد حسابرسی، باعث می‌شود که کارکرد این افشاها با محیط‌های توسعه‌یافته تفاوت داشته باشد. به‌ویژه، پرسش‌هایی درباره میزان درک سرمایه‌گذاران و سایر استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی نسبت به محتوای موضوعات کلیدی حسابرسی در سطوح مختلف (سطح نهاد و سطح حساب) مطرح است (ثانی و همکاران، ۱۴۰۱).

در سطح بین‌المللی، مطالعات متعددی به بررسی آثار این افشاها بر واکنش بازار، درک ریسک، و بهبود کیفیت گزارشگری مالی پرداخته‌اند (برازل و همکاران^۳، ۲۰۱۶؛ گاه و همکاران^۴، ۲۰۲۳؛ سبیک و کایا، ۲۰۲۳). در ایران نیز مطالعاتی مانند صدری و رنجبر (۱۴۰۴) و ثانی و همکاران (۱۴۰۱) نشان داده‌اند که افشای موضوعات کلیدی می‌تواند هم‌زمانی قیمت سهام را کاهش داده و

^۱ - Parte

^۲ - Seebeck & Kaya

^۳ - Bansal et al

^۴ - Goh et al

نرخ شکست کسب و کارها را تحت تأثیر قرار دهد. با این حال، همچنان خلأ پژوهشی مهمی درباره میزان تفاوت در تأثیرپذیری ذی‌نفعان از موضوعات کلیدی در سطح نهاد و سطح حساب وجود دارد. با توجه به اینکه در ایران، بسیاری از استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی تخصص حرفه‌ای لازم برای تحلیل محتوای گزارش‌های حسابرسی را ندارند، بررسی نحوه درک و واکنش بازار به این دو سطح از افشا می‌تواند راهگشای سیاست‌گذاری‌های دقیق‌تر در حوزه حسابرسی و افشاگری باشد.

مطالب کلیدی حسابرسی و استراتژی‌های مدیریت سود

مروری بر مطالب کلیدی حسابرسی

موضوعات کلیدی حسابرسی برای بررسی مسائل و قضاوت‌های اساسی طراحی شده‌اند که حسابرسان باید به کاربران صورت‌های مالی منتقل کنند. هدف اصلی افشای موضوعات کلیدی حسابرسی، افزایش شفافیت و ارائه اطلاعات ارزشمند درباره حوزه‌های حساس حسابرسی است. با این حال، نتایج تجربی درباره توانایی گزارش حسابرسی گسترش‌یافته در افزایش شفافیت مالی متناقض بوده است (ناز^۱، ۲۰۲۴؛ گلد و همکاران^۲، ۲۰۲۰).

مطالعات نشان می‌دهند که گزارش‌های گسترش‌یافته حسابرسی کیفیت گزارش‌دهی مالی را افزایش می‌دهند که این موضوع با کاهش معنادار در انحرافات غیرعادی مطلق و کاهش تمایل به برآوردن یا اندکی فراتر رفتن از پیش‌بینی‌های تحلیل‌گران همراه بوده است (حاجیها و علی‌زاده، ۱۴۰۳). با این حال، این پژوهش از موضوعات کلیدی حسابرسی به عنوان متغیر استفاده نکرده است. در مقابل، شواهد حاکی از آن است که تمایل مدیران به اتخاذ تصمیمات تهاجمی در گزارش‌دهی مالی در حضور موضوعات کلیدی حسابرسی نسبت به غیاب آن کاهش می‌یابد (گلد و همکاران، ۲۰۲۰). این اثر حتی در شرایطی که توضیحات موضوع کلیدی حسابرسی اطلاعات دقیق‌تری ارائه ندهند نیز مشهود است.

کیفیت حسابرسی و نقش مطالب کلیدی حسابرسی

براساس برداشت‌های شخصی و استفاده از حسابرسان واقعی، موضوعات اگرچه کیفیت حسابرسی را

^۱ - Naz et al

^۲ - Gold et al

مستقیماً بهبود نمی‌دهند، اما اثربخشی آن را افزایش می‌دهند (راوتیانن و همکاران^۱، ۲۰۲۱).
 باین وجود، نتایج در سایر شرایط قطعی نیست. برای مثال، بارغاثی و همکاران^۲ (۲۰۲۱) بیان کرده‌اند
 که معرفی موضوعات در شرکت‌های بزرگ و پذیرفته‌شده در بورس، از طریق ارتباطات بهتر و
 افزایش شفافیت، کیفیت حسابرسی را بهبود می‌بخشد. تحلیل‌های انجام‌شده قبل و بعد از اعمال
 استاندارد جدید حسابرسی که موضوعات را در بازار بورس هنگ‌کنگ معرفی کرد، نشان می‌دهند
 که افشای موضوعات کیفیت اطلاعات شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس را بهبود می‌بخشد و
 رفتارهای مدیریت مازاد را کاهش می‌دهد (ژائو، ۲۰۲۲). همچنین، افشای تعداد بیشتری از
 موضوعات به کاهش این رفتارها کمک می‌کند. باین حال، تحقیقات بیشتری برای درک ارتباط میان
 موضوعات و رفتارهای مدیران ضروری است (مارون و د ریکبورگ^۳، ۲۰۲۴).

موضوعات کلیدی حسابرسی و ریسک مالی شرکت‌ها ارتباط میان تعداد موضوعات کلیدی و مشکلات مالی

برخی مطالعات نشان می‌دهند که تعداد بیشتر موضوعات کلیدی حسابرسی به معنای وجود
 ریسک‌های بیشتر است و در نتیجه، شرکت‌هایی که تعداد بیشتری موضوع افشا می‌کنند، ممکن است
 با مشکلات مالی بیشتری مواجه باشند. کاماچو-میانیو و همکاران^۴ (۲۰۲۴) بیان می‌کنند که هرچه
 تعداد موضوعات کلیدی حسابرسی افشا شده بیشتر باشد، سطح مشکلات مالی شرکت نیز بالاتر
 است. علاوه بر این، شرکت‌هایی که به شدت دچار مشکلات مالی هستند، تمایل بیشتری به مدیریت
 سود نشان می‌دهند (کامپا و کاماچو-میانیو^۵، ۲۰۱۵). باین حال، روش‌های انجام این مدیریت سود و
 شرایط شرکت (پذیرفته‌شده در بورس یا غیرپذیرفته‌شده) نیز می‌تواند تأثیرگذار باشد (کامپا، ۲۰۱۹).
 جدول ۱ بخشی از پیشینه تجربی در سطح بین‌المللی و ملی را مورد بررسی قرار می‌دهد که مکمل

^۱ - Rautiainen et al

^۲ - Barghathi et al

^۳ - Maroun & Ricquebourg

^۴ - Camacho-Miñano et al

^۵ - Campa et al

مبانی نظری است:

جدول (۱) - پیشینه پژوهش

این مطالعات به بررسی اثر گزارش‌های گسترش‌یافته حسابرسی بر شفافیت اطلاعات مالی پرداخته‌اند. یافته‌ها متناقض است: برخی نشان‌دهنده بهبود شفافیت‌اند، در حالی که برخی دیگر بیان می‌کنند که اطلاعات ارائه‌شده ممکن است کلیشه‌ای و فاقد ارزش اطلاعاتی باشند.	ناز (۲۰۲۴)؛ گلد و همکاران (۲۰۲۰)؛ رید و همکاران (۲۰۱۹)
نشان می‌دهند که گزارش‌های گسترش‌یافته حسابرسی با کاهش انحرافات غیرعادی مطلق و کاهش تمایل به دستکاری سود، کیفیت گزارش‌دهی مالی را بهبود می‌بخشند؛ اگرچه متغیر موضوعات کلیدی حسابرسی مستقیماً بررسی نشده است.	حاجیها و علی‌زاده (۱۴۰۳)
نشان دادند در حضور موضوعات کلیدی حسابرسی، گرایش به گزارشگری مالی تهاجمی کاهش می‌یابد؛ حتی اگر افشاها فاقد جزئیات دقیق باشند، بازدارندگی آن‌ها حفظ می‌شود.	گلد و همکاران (۲۰۲۰)
نشان دادند که موضوعات کلیدی به صورت مستقیم موجب بهبود کیفیت حسابرسی نمی‌شوند، اما اثربخشی فرآیند حسابرسی را از طریق افزایش توجه ذی‌نفعان ارتقاء می‌دهند.	راوتیانن و همکاران (۲۰۲۱)
بیان کردند که افشای موضوعات کلیدی حسابرسی در شرکت‌های بزرگ پذیرفته‌شده در بورس با افزایش شفافیت و بهبود ارتباطات، کیفیت حسابرسی را افزایش می‌دهد.	بارغائی و همکاران (۲۰۲۱)

با وجود رشد فزاینده تحقیقات پیرامون موضوعات کلیدی حسابرسی در سال‌های اخیر، هنوز اجماع نظری مشخصی در خصوص میزان اثربخشی این افشاها در بهبود کیفیت گزارشگری مالی، کاهش رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیریت و ارتقاء درک سرمایه‌گذاران شکل نگرفته است. نتایج متناقض مطالعات در محیط‌های مختلف از جمله بریتانیا، هنگ کنگ، چین و کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، گویای آن است که بستر نهادی، ساختار حاکمیت شرکتی و شفافیت اطلاعاتی نقش اساسی در تبیین تأثیر موضوعات کلیدی حسابرسی دارند. برخی پژوهش‌ها مانند مطالعات گلد و همکاران (۲۰۲۰) و ژائو (۲۰۲۲) نشان می‌دهند که موضوعات کلیدی حسابرسی در افزایش شفافیت و کاهش مدیریت سود مؤثر بوده‌اند، درحالی‌که مطالعاتی مانند گوتیز و لنوکس هیچ رابطه معناداری بین موضوعات کلیدی حسابرسی و واکنش بازار یا بهبود کیفیت اطلاعات گزارش‌شده نیافته‌اند. همچنین، اغلب این مطالعات در محیط‌های اقتصادی خاصی انجام شده‌اند و تعمیم نتایج آن‌ها به

کشورهای دیگر با شرایط نهادی متفاوت، از جمله ایران، با محدودیت مواجه است. در زمینه داخلی نیز هرچند برخی مطالعات اولیه نظیر حاجی‌ها و علی‌زاده (۱۴۰۳) و صدری و رنجبر (۱۴۰۴) به بررسی آثار افشای گسترش یافته حسابرسی پرداخته‌اند، اما عمدتاً تمرکز آن‌ها بر متغیرهای کلی کیفیت گزارشگری یا نوسانات قیمت سهام بوده و از تحلیل مستقیم ساختار و محتوای موضوعات کلیدی حسابرسی و تأثیر آن بر ابعاد رفتاری مدیریت و واکنش بازار سرمایه غفلت شده است. افزون بر این، مطالعات داخلی به ندرت تمایز روش‌مند بین موضوعات سطح حساب و سطح شرکت قائل شده‌اند و تأثیر تفاوت در محتوای اطلاعاتی این دو سطح بر تصمیم‌گیری ذی‌نفعان بررسی نشده است. از سوی دیگر، با توجه به تفاوت‌های اساسی در ساختار نظام‌های نظارتی، حرفه حسابرسی، حاکمیت شرکتی و شفافیت اطلاعاتی در ایران نسبت به کشورهای توسعه یافته، ضرورت انجام مطالعه‌ای بومی‌سازی شده که به‌طور خاص بر ویژگی‌های نهادی، چالش‌های اطلاعاتی و واکنش فعالان بازار سرمایه ایران نسبت به افشای موضوعات کلیدی تمرکز داشته باشد، بیش از پیش احساس می‌شود. این شکاف، بستری مناسب برای انجام پژوهشی نوآورانه و اثرگذار فراهم می‌آورد که می‌تواند هم خلأ نظری موجود را پوشش دهد و هم راهنمایی عملی برای بهبود کیفیت افشاها در محیط‌های در حال توسعه ارائه کند.

هدف این پژوهش کمک به گسترش ادبیات پژوهشی است که نشان دهد که آیا افشای موضوعات کلیدی حسابرسی به‌عنوان نشانه‌ای از ریسک‌های شرکت در یک دوره می‌تواند مدیریت سود مدیران را در دوره بعدی تحت تأثیر قرار دهد یا خیر. تا آنجا که بررسی‌ها نشان می‌دهد، این موضوع تاکنون در تحقیقات پیشین در ایران مورد بررسی قرار نگرفته است. بنابراین، با استناد به ادبیات پیشین، فرضیه ما به شرح زیر بیان می‌شود:

فرضیه اصلی: افشای موضوعات کلیدی حسابرسی در محتوای گزارش حسابرسی مشروط به رفتارهای شرکت‌ها در زمینه مدیریت سود است.

روش‌شناسی پژوهش

جامعه آماری پژوهش تمام شرکت‌های پذیرفته در در بورس اوراق بهادار تهران هستند. به دلیل ناهمگونی جامعه آماری شرایط زیر برای تعیین نمونه آماری مطرح می‌شود:

جدول (۲) - نحوه تعیین جامعه و نمونه آماری

ردیف	محدودیت های نمونه گیری	تعداد شرکت ها (۳۵۰ در سال ۱۴۰۲)
۱	شرکت‌های سرمایه‌گذاری، هلدینگ‌ها، بانک‌ها و موسسات تامین اعتبار از نمونه جامعه آماری حذف شدند.	۷۵
۲	شرکت‌هایی که سال مالی آنها منتهی به پایان سال مالی نیست به دلیل قابلیت مقایسه بهتر.	۵۵
۳	شرکت‌هایی که وقفه معاملاتی بیش از شش ماه دارند حذف شدند	۶۰
۴	شرکت‌هایی که در طول دوره مورد پژوهش تغییر سال مالی داده باشند.	۵۰

با توجه به محدودیت‌های مطرح شده تعداد ۱۱۰ شرکت برای دوره زمانی ۱۳۹۶ لغایت ۱۴۰۲ انتخاب گردید.

مدل و متغیرهای پژوهش

به منظور آزمون فرضیه پژوهش از رابطه ۱ استفاده می‌شود. نحوه محاسبه هر یک متغیرهای پژوهش در ادامه ذکر خواهد شد:

رابطه ۱)

$$\begin{aligned}
 AEM \text{ or } REM_{i,t} = & \alpha_0 + \alpha_1 KAMS_{i,t} + \alpha_2 CONOWN_{i,t} + \alpha_3 DUAL_{i,t} \\
 & + \alpha_4 INDE_{i,t} \\
 & + \alpha_5 AUD_SIZE_{i,t} + \alpha_6 SIZE_{i,t} + \alpha_7 LEV_{i,t} + \alpha_8 ROA_{i,t} \\
 & + \alpha_9 MBV_{i,t} + \alpha_{10} CFO_{i,t} + \varepsilon_{i,t}
 \end{aligned}$$

که در این رابطه:

AEM : مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی؛ REM : مدیریت سود واقعی؛ $KAMS$: موضوعات کلیدی حسابرسی؛ $CONOWN_{i,t}$: تمرکز مالکیت؛ $DUAL_{i,t}$: دوگانگی پست

مدیرعامل؛ $INDE_{i,t}$: استقلال هیات مدیره؛ $AUD_SIZE_{i,t}$: اندازه موسسه حسابرسی؛ $SIZE_{i,t}$: اندازه شرکت؛ $LEV_{i,t}$: اهرم مالی؛ $ROA_{i,t}$: بازده دارایی‌ها؛ $MBV_{i,t}$: فرصت‌های رشد؛ $CFO_{i,t}$: جریان‌های نقد عملیاتی؛

متغیر وابسته: مدیریت سود

مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی: در این پژوهش، برای سنجش مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی از روش اقلام تعهدی سرمایه در گردش غیرعادی استفاده می‌شود که با استفاده از روش دی‌فاند و پارک (۲۰۰۱) برآورد شده است. دی‌فوند و پارک (۲۰۰۱) اقلام تعهدی سرمایه در گردش غیرعادی را به عنوان تفاوت بین اقلام تعهدی سرمایه در گردش واقعی سال جاری و سطح مورد انتظار آنها برای شرکت i در سال t تعریف می‌کنند که از طریق رابطه ۲ بدست می‌آید:

$$WCA_{i,t} = WC_{i,t} - \left(\frac{WC_{i,t-1}}{WC_{i,t}} \right) \times S_{i,t} \quad \text{رابطه ۲}$$

که در آن:

WC : اقلام تعهدی سرمایه در گردش غیرنقدی است که به صورت (دارایی‌های جاری - نقدی و سرمایه‌گذاری‌های کوتاه‌مدت) - (بدهی‌های جاری - بدهی‌های کوتاه مدت) محاسبه می‌شود و S درآمد خالص شرکت است. شاخص اندازه‌گیری برای سنجش مدیریت اقلام تعهدی اختیار در مقدار مطلق آنها ($ABSAWCA$) است.

مدیریت واقعی سود: برای اندازه‌گیری مدیریت سود واقعی، این مطالعه از مدل رویچوهدری (۲۰۰۶) استفاده می‌کند که در تحقیقات قبلی به کار رفته است. بنابراین مدیریت سود واقعی برابر است با حاصل جمع اندازه‌گیری سطح جریان نقد عملیاتی غیرعادی، هزینه‌های تولید غیرعادی و هزینه‌های اختیاری غیرعادی در سال انجام مدیریت سود. با استفاده از رابطه ۲ جریان نقد عملیاتی واقعی به بخش‌های عادی (مورد انتظار) و غیرعادی (غیرمنتظره) تفکیک شدند:

$$CFO_{i,t}/A_{i,t-1} = a_1/A_{i,t-1} + a_2Sales_{it}/A_{i,t-1} + a_3\Delta Sales_{it}/A_{i,t-1} + \varepsilon_{it} \quad \text{رابطه ۲}$$

در این رابطه، CFO جریان نقد عملیاتی شرکت i در پایان سال t را نشان می‌دهد. استراتژی‌های افزایش درآمد از طریق تولید بیش از حد و کاهش هزینه‌های اختیاری مانند هزینه‌های تحقیق و توسعه و هزینه‌های بازاریابی، به مشاهده غیرعادی افزایش مخارج تولید و کاهش غیرعادی هزینه‌های اختیاری با توجه به فروش منجر می‌شود. به منظور تجزیه مخارج واقعی تولید و هزینه‌های اختیاری، به بخش نرمال (منتظره) و غیر نرمال (غیرمنتظره)، از روابط (۳) و (۴) استفاده شده است:

رابطه ۳

$$Prod_{it}/A_{i,t-1} = a_1/A_{i,t-1} + a_2Sales_{it}/A_{i,t-1} + a_3\Delta Sales_{it}/A_{i,t-1} + a_4\Delta Sales_{i,t-1}/A_{i,t-1} + \varepsilon_{it}$$

رابطه ۴

$$DiscE_{it}/A_{i,t-1} = a_1/A_{i,t-1} + a_2Sales_{i,t-1}/A_{i,t-1} + \varepsilon_{it}$$

در این رابطه‌ها، $Prod$ نشان دهنده هزینه‌های تولید است که از حاصل جمع بهای تمام شده کالای فروش رفته و تغییر در موجودی کالا به دست می‌آید. $DiscE$ معرف هزینه‌های اختیاری یا همان هزینه‌های اداری، عمومی و فروش است. جریان نقد عملیاتی غیرعادی ($AbCFO$) تولید غیرعادی ($AbProd$) و هزینه‌های اختیاری غیرعادی ($AbDisc$) از طریق تفاوت بین ارزش‌های واقعی متغیر مد نظر که با توجه به دارایی‌های دوره قبل بی‌مقیاس شده است و سطح نرمال آن‌ها، به دست آمدند. این سه متغیر، شاخص‌های اصلی مدیریت سود واقعی هستند که در تحلیل‌های این پژوهش استفاده شده‌اند. ممکن است شرکتی از تمام یا تعدادی از این سه استراتژی بیان شده استفاده کند تا درآمد دوره خود را افزایش دهد. به منظور سنجش مدیریت سود واقعی از رابطه ۵ استفاده خواهد شد که در آن $AbREM$ معرف مدیریت سود واقعی (یا همان REM) و نشان دهنده معیار اصلی مدیریت سود واقعی است.

$$AbREM = (-1) AbCFO + AbProd + (-1) AbDisc \quad \text{رابطه ۵}$$

متغیر مستقل: موضوعات کلیدی حسابرسی

در این پژوهش، موضوعات کلیدی حسابرسی به‌عنوان متغیر مستقل در دو شکل اصلی بررسی شده

است: تعداد موضوعات کلیدی حسابرسی و انواع موضوعات کلیدی حسابرسی.

تعداد موضوعات کلیدی حسابرسی: این شاخص شامل مجموع تعداد موضوعات کلیدی حسابرسی موجود در گزارش حسابرسی گسترش یافته هر شرکت در هر سال نمونه است. این موضوعات شامل ۲۰ موضوع کلیدی معاملات با اشخاص وابسته؛ شناخت درآمد؛ شناخت موجودی مواد؛ شناخت و اندازه گیری ذخایر مرتبط با عملیات؛ شناخت و اندازه گیری دارایی های زیستی مولد و غیرمولد؛ هزینه های مشتریان و هزینه سود سپرده ها؛ ارزش حاصل از صادرات؛ عدم شناسایی کاهش ارزش حساب های دریافتی؛ تسهیلات و ذخایر مرتبط با آن؛ حسابرسی نخستین؛ سرویس های جانبی دریافتی طی سال مورد گزارش؛ سپرده های قرض الحسنه جاری مشتریان؛ هزینه های جذب نشده در تولید؛ سرمایه گذاری

کاهش سود عملیاتی نسبت به سال مالی گذشته؛ تجدید ارزیابی دارایی های ثابت؛ شناسایی بهای تمام شده کالای فروش رفته؛ دارایی های در جریان تکمیل؛ ذخیره تعهدات بازنشستگی کارکنان و سیستم ها و کنترل های فناوری اطلاعات است.

انواع موضوعات کلیدی حسابرسی: بر اساس استاندارد بین المللی حسابرسی ۷۰۱ و مطالعه کاماچو-میانو و همکاران (۲۰۲۴) موضوعات کلیدی حسابرسی به دو دسته اصلی تقسیم می شوند: موضوعات کلیدی حسابرسی سطح شرکت: این موارد به موضوعاتی اشاره دارند که به ریسک هایی مرتبط هستند که به طور فزاینده بر صورت های مالی کلی شرکت تأثیر می گذارند مانند مجموع بندهای مربوط به مالیات، دعاوی، تملک، کنترل، ادغام و آیتی (سیرا-گارسا و همکاران، ۲۰۱۹). موضوعات کلیدی حسابرسی سطح حساب: این موارد به موضوعاتی مربوط می شوند که به حساب های خاص صورت های مالی مرتبط هستند مانند مجموع بندهای مربوط به درآمد، دارایی نامشهود، دارایی مشهود، طرح های بازنشستگی، موجودی ها، تخفیفات فروشنده و کاهش ارزش دارایی ها (سیرا-گارسا و همکاران، ۲۰۱۹).

متغیرهای کنترلی

در این پژوهش، مجموعه ای از متغیرهای کنترلی در مدل های پژوهش گنجانده شده اند که به دو دسته اصلی طبقه بندی می شوند: کنترل های حاکمیت شرکتی و کنترل های مالی.

کنترل‌های حاکمیت شرکتی شامل موارد زیر است:

تمرکز مالکیت (CONOWN): برابر است با مجذور مالکیت سهامداران نهادی؛
دوگانگی پست مدیرعامل (DUAL): به معنای هم‌زمانی نقش مدیرعامل و رئیس هیئت‌مدیره،
بطوری که اگر مدیرعامل هم‌زمان رئیس هیات مدیره باشد عدد یک در غیراینصورت عدد صفر تعلق
می‌گیرد؛

درصد مدیران مستقل (INDE): برابر است با نسبت اعضای غیرموظف به کل اعضای هیات مدیره؛
نوع شرکت حسابرسی (AUD_SIZE): اگر شرکت توسط سازمان حسابرسی و موسسات حسابرسی
به رتبه الف حسابرسی؛ شده باشد عدد یک (به عنوان نشانه‌ای از کیفیت بالای حسابرسی) و برای بقیه
شرکت‌ها عدد صفره داده می‌شود.

کنترل‌های مالی شامل موارد زیر است:

اندازه شرکت (SIZE): لگاریتم طبیعی کل دارایی‌ها؛ اهرم مالی (LEV): نسبت بدهی به دارایی‌ها،
سودآوری (ROA): نسبت سود عملیاتی به کل دارایی‌ها؛ فرصت‌های رشد (MBV): نسبت ارزش
بازار به ارزش دفتری کل؛ جریان نقدی حاصل از فعالیت‌های عملیاتی (CFO): نسبت جریان‌های
نقد عملیاتی به کل دارایی‌ها.

یافته‌های پژوهش

جدول ۱ آمار توصیفی متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. میانگین شاخص مدیریت سود واقعی از
طریق اضافه تولید، هزینه‌های اختیاری و جریان‌های نقد عملیاتی به ترتیب برابر ۰/۰۹۵، ۰/۰۷۷ و
۰/۰۵۸ است که نشان می‌دهد شرکت‌ها بیشتر از طریق افزایش هزینه‌های تولید دست به مدیریت
واقعی سود می‌زنند در حالیکه دستکاری فعالیت‌های واقعی از طریق جریان‌های نقدی در مقایسه با
دو معیار اضافه تولید و هزینه‌های اختیاری در سطح پایینی قرار دارد. در عوض، میانگین تعهدی
غیرعادی سرمایه در گردش معادل ۶/۷ درصد از کل دارایی‌های یک شرکت است. تعداد
موضوعات کلیدی حسابرسی به طور متوسط ۳/۳۰ است که بیشتر آنها به موضوعات کلیدی
حسابرسی در سطح حساب هستند. متغیرهای کنترلی نشان می‌دهد که تمرکز مالیکت حدود ۲۷
درصد است و نسبت اعضای غیرموظف به اعضای موظف ۵۸ درصد می‌باشد. میانگین فرصت‌های
رشد برابر ۲/۶۳۵ که نشان می‌دهد ارزش بازار حقوق صاحبان سهام بیشتر از ارزش دفتری آن است.

همچنین میانگین سودآوری ۰/۱۳۸ و اهرم مالی ۰/۴۵۱ است. همچنین جدول ۱ نشان می‌دهد در ۵۵/۵۶٪ شرکت‌ها مدیرعامل همزمان رئیس هیات مدیره است. آمار فراوانی نیز نشان می‌دهد که نزدیک به ۶۰٪ شرکت‌ها توسط حسابرسان دارای رتبه الف و سازمان حسابرسی رسیدگی شده است.

جدول (۱) - آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	میانگین	انحراف معیار	حداقل	میانه	حداکثر
ABSAWCA	۰/۰۶۷	۰/۰۸۱	۰/۰۰۰۵	۰/۰۴۱	۰/۲۶۸
REM	۰/۱۹۱	۰/۳۴۵	-۰/۲۱۸	۰/۱۲۶	۲/۶۹۵
REM _{PROD}	۰/۰۹۵	۰/۰۸۶	-۰/۰۱۲	۰/۰۵۸	۰/۳۲۹
REM _{DISX}	۰/۰۷۷	۰/۰۶۲	-۰/۰۰۸	۰/۰۳۵	۰/۲۸۰
REM _{CFO}	۰/۰۵۸	۰/۰۵۷	-۰/۰۰۰۴	۰/۰۲۴	۰/۲۳۸
NKAM	۳/۳۰۱	۱/۶۴۷	۰	۳	۶
ENTKAM	۱/۱۳۲	۱/۰۱۹	۰	۱	۳
ACCKAM	۲/۱۷۸	۱/۲۱۰	۰	۲	۵
CONOWN	۰/۲۷۱	۰/۴۳۱	۰/۰۷۵	۰/۱۵۲	۰/۷۵۱
INDE	۰/۵۸۰	۰/۱۱۸	۰/۲۰۰	۰/۴۰۰	۰/۸۰۰
SIZE	۱۳/۳۵	۰/۸۵۴	۱۰/۶۴	۱۲/۹۴	۱۶/۳۸
LEV	۰/۴۵۱	۰/۲۶۰	۰/۰۹۸	۰/۳۲۴	۰/۸۵۷
ROA	۰/۱۳۸	۰/۲۹۰	-۰/۰۷۵	۰/۰۶۵	۰/۶۵۳
MBV	۲/۶۳۵	۰/۶۸۷	۰/۰۶۸	۱/۵۴۸	۱۲/۳۹۴
CFO	۰/۲۵۴	۰/۱۶۳	-۰/۰۵۳	۰/۱۴۰	۰/۶۵۳

ادامه جدول (۱) - آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	درصد فراوانی صفر	درصد فراوانی یک	مشاهدات
Dual	۳۲۰ مشاهده - ۴۴/۴۴٪	۴۰۰ مشاهده ۵۵/۵۶٪	۷۲۰
AUD_SIZE	۲۸۹ مشاهده - ۴۰/۰۱٪	۴۳۱ مشاهده ۵۹/۹٪	۷۲۰

آزمون فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اول به بررسی تاثیر تعداد موضوعات کلیدی بر مدیریت سود از طریق مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی و مدیریت سود واقعی می‌پردازد. جدول ۴ نشان می‌دهد که $NKAM_{i,t}$ تاثیر منفی ($-0/365$) و معنی‌داری ($0/000$) بر مدیریت سود واقعی دارد در حالی که چنین تاثیری بین تعداد موضوعات کلیدی حسابرسی و مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی معنی‌دار نیست. این نشان می‌دهد که تعداد موضوعات کلیدی حسابرسی با سطح ارقام اختیاری شرکت مرتبط نیست، اما یافته‌ها نشان می‌دهد که یک رابطه منفی بین سطح دستکاری فعالیت‌های واقعی و تعداد موضوعات کلیدی حسابرسی گزارش شده در گزارش حسابرسی سال‌های قبل وجود دارد. این امر به این معناست که شرکت‌ها از طریق دستکاری تولیدهای، هزینه‌های اختیاری و جریان‌های نقد عملیاتی بر اساس تعداد موضوعات کلیدی حسابرسی که حسابرسان در صورت‌های مالی سال گذشته افشا کرده‌اند، کیفیت گزارشگری مالی خود را افزایش می‌دهند. این یافته‌ها را می‌توان با نتایج تحقیقاتی که رابطه مثبت بین افشای موضوعات کلیدی حسابرسی و بهبود کیفیت گزارشگری مالی را نشان می‌دهند، پشتیبانی کرد. بنابراین نتایج با تحقیقات قبلی (چیانگ و همکاران، ۲۰۲۳؛ سای و همکاران، ۲۰۲۴) هم‌راستا است. ضریب تعیین تعدیل شده مدل‌های فرضیه اول نشان می‌دهد که $35/4$ و $34/1$ درصد از تغییرات متغیر وابسته مدیریت سود توسط متغیر مستقل و سایر متغیرها قابل تبیین است. آماره دوربین واتسون بین $1/5$ و $2/5$ بوده و می‌توان تایید نمود که خطاها یا تفاوت مقادیر واقعی و مقادیر پیش‌بینی شده به وسیله مدل‌های رگرسیون، از یکدیگر مستقل هستند. مقدار سطح معنی‌داری F برابر با $0/000$ و کوچکتر از $0/05$ درصد می‌باشد که حاکی از معنی‌داری کل مدل است. سطح معنی‌داری آماره F لیمر و هاسمن نشان می‌دهد که برازش مدل پژوهش بصورت داده‌های پانلی به کمک مدل اثرهای ثابت انجام گرفته است. آماره بروش-پاگان گادفری نیز نشان می‌دهد که ناهمسانی واریانس بین فرضیه‌های پژوهش وجود ندارد. در نهایت مقدار سطح معنی‌داری آزمون جاک-برا نشان از نرمال بودن اجزای اخلاص مدل‌های پژوهش دارد.

جدول (۴) - تاثیر موضوعات کلیدی حسابرسی بر مدیریت سود

مدل دوم REM		مدل اول AEM		
t	ضرایب	t	ضرایب	نام متغیرها
۴/۷۴۲	۱/۳۲۵**	۳/۶۵۲	۰/۵۸۶**	عدد ثابت
-۳/۵۳۲	-۰/۳۶۵**	-۱/۶۵۲	-۰/۱۵۶	$NKAM_{i,t}$
۲/۶۳۵	۰/۱۰۵**	۳/۳۲۵	۰/۱۸۷**	$CONOWN_{i,t}$
۳/۱۰۵	۰/۰۷۸**	۲/۸۲۵	۰/۰۶۸**	$DUAL_{i,t}$
-۳/۹۲۴	-۰/۱۸۶**	-۳/۴۱۵	-۰/۱۶۶**	$INDE_{i,t}$
۲/۴۲۶	-۰/۱۵۸*	-۳/۳۶۵	-۰/۲۴۸**	$AUD_SIZE_{i,t}$
۴/۶۶۸	۰/۳۰۵**	۴/۰۷۵	۰/۲۸۷**	$SIZE_{i,t}$
۵/۲۱۸	۰/۳۴۸**	۶/۳۶۵	۰/۴۱۵**	$LEV_{i,t}$
۴/۴۵۲	۰/۲۶۶**	۵/۳۶۱	۰/۴۴۶**	$ROA_{i,t}$
۱/۳۱۰	۰/۰۶۸	۰/۸۹۶	۰/۰۴۲	$MBV_{i,t}$
۱/۷۴۶	۰/۰۷۱	۱/۳۲۴	۰/۰۶۲	$CFO_{i,t}$
۰/۳۴۱		۰/۳۵۴		R^2 تعدیل شده
۱/۹۶۵		۱/۸۵۴		دوربین واتسون
۸/۳۲۰		۸/۶۵۸		F آماره
۰/۰۰۰		۰/۰۰۰		احتمال آماره F
۰/۰۰۰		۰/۰۰۰		سطح معنی داری F لیمر
۰/۰۰۰		۰/۰۰۰		سطح معنی داری هاسمن
۰/۰۸۷		۰/۱۳۴		ناهمسانی - معنی داری
۰/۰۶۸		۰/۱۰۱		چارک برا- معنی داری

جدول ۵ تاثیر موضوعات کلیدی جداشده (در سطح شرکت و حساب) را بر مدیریت سود نشان می دهد. که مشخص است ضریب $ENTKAM_{i,t}$ در مدل اول معنادار نیست، در حالی که ضریب $ACCKAM_{i,t}$ منفی و معنادار است. این نشان می دهد که پس از دریافت موضوعات کلیدی حسابرسی سطح حساب، شرکت ها با کاهش سطح مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی خود واکنش نشان می دهند. ضریب متغیر $ENTKAM_{i,t}$ و $ACCKAM_{i,t}$ در مدل دوم منفی (۰/۲۴۵،

۳۰۱/۰-) و معنی‌دار است و نشان می‌دهد که شرکت‌ها به‌طور قابل‌توجهی سطح دستکاری‌های واقعی خود را زمانی که حسابرسان موضوعات کلیدی حسابرسی را صادر می‌کنند، کاهش می‌دهند، صرف‌نظر از اینکه این موضوعات کلیدی حسابرسی به یک قلم حساب خاص یا به کلیت واحد مربوط شود. در نهایت، در مجموع، تفکیک موضوعات کلیدی حسابرسی به موضوعات کلیدی حسابرسی سطح واحد و موضوعات کلیدی حسابرسی سطح حساب برای درک اثر آن‌ها بر استراتژی‌های مدیریت سود شرکت‌ها حیاتی بود. برخی از نتایج گزارش شده در جدول ۴ و ۵ معنادار نبودند. این امر نشان می‌دهد که تحقیقات در زمینه موضوعات کلیدی حسابرسی باید در یک نقطه خاص موضوعات کلیدی حسابرسی سطح واحد و موضوعات کلیدی حسابرسی سطح حساب را از هم جدا کند. بنابراین، می‌توان این فرضیه را تایید کرد که موضوعات کلیدی حسابرسی که در گزارش حسابرسی افشا می‌شوند، رفتار مدیریت سود شرکت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

جدول (۵)- تاثیر موضوعات کلیدی حسابرسی در سطح و حساب بر مدیریت سود

مدل دوم REM		مدل اول AEM		
t	ضرایب	t	ضرایب	نام متغیرها
۳/۴۵۶	۰/۵۲۴ ^{**}	۱/۹۸۵	۰/۲۵۶ [*]	عدد ثابت
-۳/۳۶۲	-۰/۲۴۵ ^{**}	-۱/۸۴۱	-۰/۱۶۸	$ENTKAM_{i,t}$
۳/۹۰۸	-۰/۳۰۱ ^{**}	۳/۳۳۳	-۰/۲۵۸ ^{**}	$ACCKAM_{i,t}$
۳/۱۲۸	۰/۱۸۷ ^{**}	۳/۴۲۶	۰/۱۹۳ ^{**}	$CONOWN_{i,t}$
۴/۵۲۸	۰/۲۰۸ ^{**}	۳/۲۶۳	۰/۰۹۶ ^{**}	$DUAL_{i,t}$
-۵/۵۸۸	-۰/۲۶۵ ^{**}	-۵/۲۱۹	-۰/۲۵۵ ^{**}	$INDE_{i,t}$
۳/۸۵۲	-۰/۱۶۳ [*]	-۳/۶۵۲	-۰/۱۳۰ ^{**}	$AUD_SIZE_{i,t}$
۱/۶۷۴	۰/۱۰۵	۱/۲۵۷	۰/۰۸۷	$SIZE_{i,t}$
۲/۴۱۸	۰/۱۲۴ [*]	۲/۳۶۵	۰/۱۱۴ [*]	$LEV_{i,t}$
۲/۴۳۷	۰/۱۷۵ [*]	۲/۹۸۵	۰/۲۰۶ ^{**}	$ROA_{i,t}$
۱/۳۷۴	۰/۰۸۷	۱/۴۵۲	۰/۰۹۸	$MBV_{i,t}$
۰/۸۴۱	۰/۰۳۳	۱/۰۵۲	۰/۰۶۵	$CFO_{i,t}$
۰/۳۱۸		۰/۲۳۷		R^2 تعدیل شده
۱/۸۵۹		۱/۷۷۸		دوربین واتسون
۷/۰۳۰		۷/۶۵۹		F آماره
۰/۰۰۰		۰/۰۰۰		احتمال آماره F
۰/۰۰۰		۰/۰۰۰		سطح معنی داری F لیمر
۰/۰۰۰		۰/۰۰۰		سطح معنی داری هاسمن
۰/۰۶۲		۰/۰۷۷		ناهمسانی - معنی داری
۰/۱۳۶		۰/۱۴۲		جارک برا- معنی داری

نتیجه‌گیری‌ها و پیشنهادها

هدف اصلی این پژوهش، بررسی نقش افشای موضوعات کلیدی حسابرسی در کاهش انگیزه‌های مدیریت سود و ارتقای کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها در بستر بازار سرمایه ایران بوده است. این مطالعه از این جهت حائز اهمیت است که موضوعات کلیدی حسابرسی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اصلاحات صورت گرفته در استانداردهای حسابرسی طی دهه‌های اخیر، با هدف افزایش شفافیت، بهبود پاسخگویی و اطلاع‌رسانی بهتر به ذی‌نفعان طراحی شده‌اند. در واقع، گزارش حسابرسی حاوی موضوعات کلیدی حسابرسی، می‌تواند دریچه‌ای به سوی درک بهتر نواحی پرریسک و قضاوت محور فرآیند حسابرسی باشد. با این حال، همان‌طور که مطالعاتی مانند گلد و همکاران (۲۰۲۰)، بارغائی و همکاران (۲۰۲۱) و لنوکس و همکاران (۲۰۲۳) اشاره کرده‌اند، شواهد تجربی در خصوص اثربخشی واقعی این افشاها در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و بهبود کیفیت تصمیم‌گیری همچنان متناقض و نیازمند بررسی بیشتر است، خصوصاً در بسترهای نهادی متفاوت مانند ایران.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که افشای موضوعات کلیدی حسابرسی، به‌ویژه در سطح حساب، می‌تواند به‌طور معناداری از شدت رفتارهای فرصت طلبانه مدیریت در قالب دستکاری فعالیت‌های واقعی بکاهد. این نتیجه به‌خوبی مؤید این است که شفاف‌سازی و برجسته‌سازی نواحی پرریسک حسابرسی از طریق گزارش‌های رسمی، می‌تواند نقش بازدارنده‌ای برای مدیران در اتخاذ تصمیمات مخدوش‌کننده کیفیت اطلاعات مالی ایفا کند. از سوی دیگر، کاهش معنادار مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی در شرایط افزایش تعداد موضوعات کلیدی حسابرسی سطح حساب، بیانگر آن است که این افشاها نه‌تنها رفتارهای مدیریتی را تحت تأثیر قرار می‌دهند، بلکه موجب اصلاح الگوی تصمیم‌گیری‌های حسابداری نیز می‌شوند. این اثر تعدیلی، به‌ویژه در شرکت‌هایی با حساسیت بیشتر نسبت به نظارت بازار یا در شرایط افزایش عدم تقارن اطلاعاتی، پررنگ‌تر خواهد بود.

یکی از نوآوری‌های کلیدی این پژوهش، تفکیک موضوعات کلیدی حسابرسی به دو سطح «واحد تجاری» و «حساب خاص» و تحلیل آثار مجزای آن‌هاست. این رویکرد نشان داد که اگرچه هر دو نوع موضوع کلیدی حسابرسی می‌توانند در بهبود رفتارهای گزارشگری مالی نقش داشته باشند، اما موضوعات کلیدی حسابرسی مربوط به حساب‌های خاص تأثیر قوی‌تری در کاهش مدیریت سود تعهدی داشته‌اند. این یافته با دیدگاه سیرا-گارسایلا و همکاران (۲۰۱۹) و لنوکس و همکاران (۲۰۲۳) هم‌راستا است که تأکید دارند ذی‌نفعان به موضوعات کلیدی حسابرسی دقیق‌تر و قابل‌راستی‌آزمایی

در سطح حساب، واکنش جدی‌تری نشان می‌دهند. بنابراین، نتایج این مطالعه علاوه بر غنابخشیدن به ادبیات موضوع، برای نهادهای تنظیم‌گر، حساب‌رسان مستقل و تحلیل‌گران مالی نیز پیامدهای مهمی دارد؛ از جمله ضرورت تمرکز بیشتر بر افشای شفاف و دقیق موضوعات کلیدی حسابرسی و طراحی سازوکارهایی برای جلوگیری از استاندارد شدن و تکراری شدن این افشاها در گذر زمان.

در مجموع، این پژوهش با ارائه شواهدی از بازار سرمایه ایران، بیانگر آن است که موضوعات کلیدی حسابرسی می‌توانند به‌عنوان ابزار مکمل نظارتی در راستای بهبود شفافیت و کاهش رفتارهای مدیریت سود عمل کنند، مشروط بر آنکه این افشاها به‌صورت هدفمند، دقیق و مطابق با ریسک‌های واقعی هر شرکت تنظیم شوند. توصیه می‌شود در پژوهش‌های آتی، نقش حاکمیت شرکتی، ساختار هیئت‌مدیره و ویژگی‌های کیفی حساب‌رسان نیز به‌عنوان عوامل میانجی یا تعدیل‌گر در این رابطه مورد بررسی قرار گیرند تا درک جامع‌تری از عملکرد موضوعات کلیدی حسابرسی در بسترهای گوناگون حاصل شود.

نتایج نشان‌دهنده رابطه متفاوتی بین موضوعات کلیدی حسابرسی افشا شده در گزارش حسابرسی و استراتژی‌های مدیریت سود است. در حقیقت، بسته به عملکرد و انگیزه مدیریت، مدیران ترجیح می‌دهند که از کدام استراتژی مدیریت سود (مدیریت سود واقعی یا مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی) استفاده کنند. نتایج نشان داد که شرکت‌ها از طریق کاهش سطح دستکاری فعالیت‌های واقعی، کیفیت گزارشگری مالی خود را بر اساس تعداد موضوعات کلیدی حسابرسی، افزایش می‌دهند. تحلیل تفکیک‌شده موضوعات کلیدی حسابرسی سطح واحد و موضوعات کلیدی حسابرسی سطح حساب نتایج مهمی ارائه می‌دهد و مشاهده شد که شرکت‌ها به‌طور قابل‌توجهی سطح دستکاری فعالیت‌های واقعی خود را زمانی که حساب‌رسان موضوعات کلیدی حسابرسی را افشا می‌کنند، کاهش می‌دهند، صرف‌نظر از اینکه این موضوعات کلیدی حسابرسی به یک قلم حساب خاص یا به کلیت واحد مربوط می‌شود. با این وجود، نتایج همچنین نشان داد زمانی که شرکت‌ها موضوعات کلیدی حسابرسی سطح حساب را از طریق گزارش‌های حسابرسی افزایش می‌دهند، با کاهش سطح مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی خود به این رویداد واکنش نشان می‌دهند. بنابراین، تقسیم‌بندی موضوعات کلیدی حسابرسی به موضوعات کلیدی حسابرسی سطح واحد و موضوعات کلیدی حسابرسی سطح حساب برای درک اثر آن‌ها بر کیفیت گزارشگری مالی بسیار حیاتی است.

یافته‌های این پژوهش می‌تواند کاربردهای عملی مهمی برای نهادهای تنظیم‌گر، حسابرسان مستقل، مدیران و سایر ذی‌نفعان بازار سرمایه داشته باشند. اگر افشای موضوعات کلیدی حسابرسی بتواند با تمرکز بر ریسک‌های خاص هر شرکت، موجب بهبود کیفیت گزارشگری مالی شود، لازم است نهادهای سیاست‌گذار نظیر سازمان بورس و جامعه حسابداران رسمی ایران، چارچوب‌های راهنمای دقیق‌تری برای نحوه شناسایی و افشای این موضوعات تدوین کنند. به‌ویژه، باید از ارائه افشای موضوعات کلیدی حسابرسی تکراری و عمومی در گزارش‌های حسابرسی جلوگیری شود و به جای آن، دستورالعمل‌هایی برای تفکیک صریح موضوعات کلیدی حسابرسی در سطح واحد تجاری و در سطح قلم حساب ارائه گردد. همچنین، اجرای برنامه‌های ارزیابی سالانه کیفیت افشا و ارائه بازخورد به حسابرسان و مدیران می‌تواند به ارتقای شفافیت مالی در سطح کلان کمک کند. از سوی دیگر، توصیه می‌شود که نهادهای ناظر با نظارت دقیق‌تر بر شرکت‌هایی که تعداد بالاتری از موضوعات کلیدی حسابرسی را افشا می‌کنند - به‌ویژه در صنایع پرریسک یا شرکت‌های با ساختارهای حاکمیت شرکتی ضعیف‌تر - به مدیریت ریسک سیستماتیک در بازارهای مالی بپردازند.

از دیدگاه حرفه‌ای، حسابرسان می‌توانند با استفاده از روش‌های نوین تحلیل داده و فناوری‌های حسابرسی پیشرفته، ریسک‌های پنهان را بهتر شناسایی کرده و موضوعات کلیدی حسابرسی را به‌صورت هدفمندتر طراحی و افشا کنند. این موضوع به افزایش اثربخشی گزارش‌های حسابرسی و تقویت نقش نظارتی حسابرسان در فرآیند افشای مالی کمک می‌کند. در همین راستا، مدیران نیز باید با درک اهمیت دریافت یک موضوع کلیدی در گزارش حسابرسی، اقداماتی برای بهبود شفافیت مالی، افزایش پاسخگویی و تقویت سیستم‌های کنترل داخلی انجام دهند. افشای افشای موضوعات کلیدی حسابرسی می‌تواند به‌عنوان یک ابزار هشداردهنده برای مدیریت تلقی شود و انگیزه‌ای برای کاهش اقدامات فرصت‌طلبانه، به‌ویژه در حوزه مدیریت سود، فراهم آورد. همچنین، سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران مالی نیز می‌توانند با توجه به تعداد، نوع و محتوای موضوعات کلیدی افشا شده، ارزیابی دقیق‌تری از ریسک‌ها و عملکرد شرکت‌ها داشته باشند. بنابراین، این پژوهش از منظر تقویت سیاست‌گذاری، ارتقای حرفه حسابرسی و بهبود تصمیم‌گیری کاربران نهایی اطلاعات مالی، دارای ارزش کاربردی قابل توجهی است.

نتایج پژوهش تحت تاثیر برخی محدودیت‌ها هستند که فرصت‌هایی برای تحقیقات آینده فراهم می‌کنند. این پژوهش در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران انجام شده است.

تحقیقات آینده می‌توانند کشورهای دیگر یا حتی تحلیل‌های مقایسه‌ای میان کشورها را در نظر بگیرند، زیرا مدیریت سود به عوامل کشوری وابسته است و موضوعات کلیدی حسابرسی در کشورهای مختلف به یک امر اجباری تبدیل شده است. مطالعات آینده ممکن است تحلیل را گسترش دهند و سال‌های مالی بیشتری را در بر گیرند. از آنجایی که مدیریت سود به تأثیرات کشوری وابسته است (مانند سیستم‌های حقوقی مختلف و قدرت اجرایی قوانین)، پیشنهاد می‌شود محققان در آینده مطالعات مقایسه‌ای میان کشورها انجام دهند. علاوه بر این، استراتژی‌های سود بسته به بخش‌ها می‌تواند متفاوت باشد، زیرا این بخش‌ها ممکن است به دلیل عملیات خاص خود یا به دلیل مقررات نظارتی سختگیرانه‌تر دارای مقررات حسابداری متفاوتی باشند. در نتیجه، دستیابی به مدیریت سود ممکن است دشوارتر باشد. در نهایت، مطالعات آینده می‌توانند بر متغیرهای حاکمیت شرکتی تمرکز کنند تا پیشرفت‌هایی در زمینه چگونگی تأثیر مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی بر رابطه بین موضوعات کلیدی حسابرسی و شفافیت مالی حاصل کنند.

منابع:

- حاجیه‌ها، زهره. علی‌زاده، حیدر. (۱۴۰۳). چرخش حسابرس، افشاء موضوعات کلیدی حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی، پیشرفت‌های مالی و سرمایه‌گذاری، ۴ (۵): ۲۳۱۱-۱۲۷۵.
- صدری، ندا. رنجبر، محمدحسین. (۱۴۰۴). تأثیر موضوعات کلیدی حسابرسی مبتنی بر ریسک در سطح شرکت و در سطح حساب پر همزمانی قیمت سهام با توجه به مالکیت نهادی دولتی و غیردولتی، دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۱۴ (۵۴): ۱۵۰-۱۳۱.
- عباسپور ثانی، علی. حاجیه‌ها، زهره. حجازی، رضوان. نجفی مقدم، علی. (۱۴۰۱). واکاوی تأثیر افشای موارد کلیدی گزارش حسابرسی بر کاهش عدم موفقیت کسب و کار شرکت های بازار سرمایه، دانش حسابداری مالی، ۹ (۴): ۲۵۰-۲۱۹.
- قائم، محمد حسین. براز، ملیکا. شاهسون، منیره. (۱۴۰۳). بررسی محتوا و عوامل مؤثر بر افشای مسائل عمده حسابرسی: نخستین سال اجرای استاندارد ۷۰۱ حسابرسی در ایران، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۳۱ (۱): ۱۵۴-۱۸۱.
- محمدی خانقاه. گلشن. پیری، پرویز. منصورفر، غلامرضا. (۱۳۹۸). مدیریت سود واقعی، کیفیت حاکمیت شرکتی و رتبه اعتباری، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۶ (۴): ۵۹۵-۶۱۴.
- Abbaspour Sani, A., Hajiha, Z., Hejazi, R., & Moghadam, A. N. (۲۰۲۳). Analyzing the impact of disclosure of key audit report items on reducing the business success of capital market companies. *Financial Accounting Knowledge*, ۴(۳۵), ۲۱۹-۲۵۰. [in Persian].
- Baber, W. R., Kang, S. H., & Li, Y. (۲۰۱۱). Modeling discretionary accrual reversal and the balance sheet as an earnings management constraint. *The Accounting Review*, ۸۶(۴), ۱۱۸۹-۱۲۱۲.
- Banerjee, A. K., Akhtaruzzaman, M., & Chatterjee, S. (۲۰۲۴). Earnings management: The influence of peer group and the corporate governance intervention. *Journal of Accounting Literature*. Advance online publication. <https://doi.org/10.1101/JAL-06-2023-0102>
- Bansal, M. (۲۰۲۴). Earnings management: A three-decade analysis and future prospects. *Journal of Accounting Literature*, ۴۶(۴), ۶۳۰-۶۷۰.
- Barghathi, Y., Mirani, S., & Khan, N. U. (۲۰۲۱). Audit quality and earnings management after communicating key audit matters (KAMs) in the UAE—Audacity and auditors' perspectives. *Journal of Accounting and Management*

Information Systems, ۲۰(۲), ۱۷۳-۱۹۸.

Ben Rejeb, M., Alzyadat, S., & Merzki, N. (۲۰۲۴). Bank financial distress and earnings management strategies: Evidence from MENA countries. *Asian Review of Accounting*. Advance online publication.

<https://doi.org/10.1111/ARA-10-2023-0290>

Bernard, V. L., & Skinner, D. J. (۱۹۹۶). What motivates managers' choice of discretionary accruals? *Journal of Accounting and Economics*, ۲۲(۱-۳), ۳۱۳-۳۲۵.

Brasel, K., Doxey, M. M., Grenier, J. H., & Reffett, A. (۲۰۱۶). Risk disclosure preceding negative outcomes: The effects of reporting critical audit matters on judgments of auditor liability. *The Accounting Review*, ۹۱, ۱۳۴۵-۱۳۶۲.

Camacho-Miñano, M. M., Muñoz-Izquierdo, N., Pincus, M., & Wellmeyer, P. (۲۰۲۴). Are key audit matter disclosures useful in assessing the financial distress level of a client firm? *The British Accounting Review*, ۵۶(۲), Article ۱۰۱۲۰۰. <https://doi.org/10.1016/j.bar.2023.101200>

Campa, D., & Camacho-Miñano, M. M. (۲۰۱۵). The impact of SME's pre-bankruptcy financial distress on earnings management tools. *International Review of Financial Analysis*, ۴۲, ۲۲۲-۲۳۴.

Campa, D. (۲۰۱۹). Earnings management strategies during financial difficulties: A comparison between listed and unlisted French companies. *Research in International Business and Finance*, ۵۰, ۴۵۷-۴۷۱.

Chakroun, S., Ben Amar, A., & Ben Amar, A. (۲۰۲۲). Earnings management, financial performance, and the moderating effect of corporate social responsibility: Evidence from France. *Management Research Review*, ۴۵(۳), ۳۳۱-۳۶۲.

Chang, Y. T., Chi, W., & Stone, D. N. (۲۰۲۴). Is client-specific information useful to investors? Evidence from key audit matter reports. *Journal of Accounting, Auditing and Finance*, ۳۹(۳), ۷۸۶-۸۰۶.

Chen, C. W., Hepfer, B. F., Quinn, P. J., & Wilson, R. J. (۲۰۱۸). The effect of tax-motivated income shifting on information asymmetry. *Review of*

Accounting Studies, ۲۳, ۹۵۸-۱۰۰۴.

Chiang, S., Kleinman, G., & Lee, P. (۲۰۲۳). The effect of key audit matters on the association of credit risk and earnings quality. *Managerial Auditing Journal*, ۳۸(۷), ۹۹۷-۱۰۲۳.

Dechow, P., Ge, W., & Schrand, C. (۲۰۱۰). Understanding earnings quality: A review of the proxies, their determinants and their consequences. *Journal of Accounting and Economics*, ۵۰(۲-۳), ۳۴۴-۴۰۱.

Dechow, P. M., Sloan, R. G., & Sweeney, A. P. (۱۹۹۶). Causes and consequences of earnings manipulation: An analysis of firms subject to enforcement actions by the SEC. *Contemporary Accounting Research*, ۳(۱), ۱-۳۶.

DeFond, M. L., & Park, C. W. (۲۰۰۱). The reversal of abnormal accruals and the market valuation of earnings surprises. *The Accounting Review*, ۷۶(۳), ۳۷۵-۴۰۴.

Deneuve, E. (۲۰۲۳). Three essays on key audit matters dissimilarity [Ph.D. thesis]. ESSEC Business School.

Formiga Miranda, K., & Machado, M. A. V. (۲۰۲۴). Earnings management, investor sentiment, and short-termism. *Journal of Applied Accounting Research*, ۲۵(۵), ۱۱۴۶-۱۱۶۴.

Francis, J. R., Maydew, E. L., & Sparks, H. C. (۱۹۹۹). The role of Big ۶ auditors in the credible reporting of accruals. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, ۱۸(۲), ۱۷-۳۴.

Ghaemi, M. H., Baraz, M., & Shahsavand, M. (۲۰۲۴). Examining the content and factors affecting the disclosure of key audit matters: The first year of implementation of the ۷۰۱ audit standard in Iran. *Accounting and Auditing Review*, ۳۱(۱), ۱۵۴-۱۸۱. [In Persian].

Gimbar, C., Hansen, B., & Ozlanski, M. E. (۲۰۱۶). The effects of critical audit matter paragraphs and accounting standard precision on auditor liability. *The Accounting Review*, ۹۱(۶), ۱۶۲۹-۱۶۴۶.

Goh, B. W., Lee, J., Li, D., & Wang, M. (۲۰۲۳). Informativeness of key audit matters: Evidence from China. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, ۱-

۲۶. <https://doi.org/10.2308/AJPT-2020-099>

Gold, A., Heilmann, M., Pott, C., & Rematzki, J. (۲۰۲۰). Do key audit matters impact financial reporting behavior? *International Journal of Auditing*, ۲۴(۲), ۲۳۲-۲۴۴.

Gómez-Ortega, A., Gelashvili, V., Delgado Jalón, M. L., & Rivero Menéndez, J. A. (۲۰۲۲). Impact of the application of IFRS ۹ on listed Spanish credit institutions: Implications from the regulatory, supervisory and auditing point of view. *The Journal of Risk Finance*, ۲۴(۴), ۴۳۷-۴۵۵.

Gutierrez, E., Minutti-Meza, M., Tatum, K. W., & Vulcheva, M. (۲۰۱۸). Consequences of adopting an expanded auditor's report in the United Kingdom. *Review of Accounting Studies*, ۲۴(۴), ۱۵۴۳-۱۵۸۷.

Habib, A., Ranasinghe, D., Wu, J. Y., Biswas, P. K., & Ahmad, F. (۲۰۲۲). Real earnings management: A review of the international literature. *Accounting and Finance*, ۶۲(۴), ۴۲۷۹-۴۳۴۴.

Hajiha, Z., & Alizadeh, H. (۲۰۲۴). Auditor rotation, disclosure of key audit issues, and financial reporting quality. *Financial and Investment Developments*, ۴(۵), ۱۲۷۵-۲۳۱۱. [In Persian].

Healey, P. M., & Wahlen, J. M. (۱۹۹۹). A review of the earnings management literature and its implication for standard setting. *Accounting Horizons*, ۱۳, ۳۶۵-۳۸۳.

Jiang, H., Habib, A., & Wang, S. (۲۰۱۸). Real earnings management, institutional environment, and future operating performance: An international study. *The International Journal of Accounting*, ۵۳, ۳۳-۵۳.

Kim, J. B., Chung, R., & Firth, M. (۲۰۰۳). Auditor conservatism, asymmetric monitoring, and earnings management. *Contemporary Accounting Research*, ۲۰(۲), ۳۲۳-۳۵۹.

Knechel, W. R. (۲۰۰۷). The business risk audit: Origins, obstacles, and opportunities. *Accounting, Organizations and Society*, ۳۲(۴-۵), ۳۸۳-۴۰۸.

Knechel, W. R. (۲۰۲۱). The future of assurance in capital markets: Reclaiming the economic imperative of the auditing profession. *Accounting Horizons*,

۳۵(۱), ۱۳۳-۱۵۱.

Lennox, C. S., Schmidt, J. J., & Thompson, A. M. (۲۰۲۳). Why are expanded audit reports not informative to investors? Evidence from the United Kingdom. *Review of Accounting Studies*, ۲۸(۲), ۴۹۷-۵۳۲.

Leuz, C., Nanda, D., & Wysocki, P. D. (۲۰۰۳). Earnings management and investor protection: An international comparison. *Journal of Financial Economics*, ۶۹, ۵۰۵-۵۲۷.

Liu, H., Ning, J., Zhang, Y., & Zhang, J. (۲۰۲۲). Key audit matters and debt contracting: Evidence from China. *Managerial Auditing Journal*, ۳۶(۶), ۶۵۷-۶۷۸.

Maroun, W., & de Ricquebourg, A. D. (۲۰۲۴). How auditors identify and report key audit matters: An organizational routines perspective. *The British Accounting Review*, ۵۴(۲), ۱۰۱۲۶۳.

Minutti-Meza, M. (۲۰۲۱). The art of conversation: The expanded audit report. *Accounting and Business Research*, ۵۱(۵), ۵۴۸-۵۸۱.

Mohammadi Khanghah, G., Piry, P., & Mansourfar, G. (۲۰۱۹). Real earnings management, corporate governance quality, and credit rating. *Accounting and Auditing Review*, ۲۴(۴), ۵۹۵-۶۱۴. [In Persian].

Naz, A., Sheikh, N. A., Khatib, S. F. A., Al Amosh, H., & Ananzeh, H. (۲۰۲۴). Illuminating the shadows: A systematic review of earnings management practices in family-owned enterprises and future research directions. *Journal of Business and Socio-economic Development*, ۴(۴), ۳۴۰-۳۵۸.

Nelson, M. W., Elliott, J. A., & Tarpley, R. L. (۲۰۰۲). Evidence from auditors about managers' and auditors' earnings management decisions. *The Accounting Review*, ۷۷(s-۱), ۱۷۵-۲۰۲. <https://doi.org/10.2308/accr.2002.77.s-1.175>

Ong, S. Y., Moroney, R., & Xiao, X. (۲۰۲۲). How do key audit matter characteristics combine to impact financial statement understandability? *Accounting and Finance*, ۶۲(۱), ۸۰۵-۸۳۵. <https://doi.org/10.1111/acfi.12847>

Parte, L., Camacho-Miñano, M. M., Segovia-Vargas, M. J., & Pérez-Pérez, Y. (۲۰۲۲). How difficult is to understand the extended audit report? *Cogent Business & Management*, ۹(۱), ۲۱۱۳۴۹۴.

<https://doi.org/10.1080/23311975.2022.2113494>

Public Company Accounting Oversight Board (PCAOB). (۲۰۱۸). Staff guidance: Changes to the auditor's report. *PCAOB*. Retrieved from <https://pcaobus.org/Standards/Documents/PCAOB-Auditors-Report-Guidance-۸-۲۳-۱۸.pdf>

Poje, T., & Zaman Groff, M. (۲۰۲۲). Mapping ethics education in accounting research: A bibliometric analysis. *Journal of Business Ethics*, ۱۷۹(۲), ۴۵۱-۴۷۲.

<https://doi.org/10.1007/s10551-021-04996-3>

Porumb, V. A., Zengin-Karaibrahimoglu, Y., Lobo, G. J., Hooghiemstra, R., & De Waard, D. (۲۰۲۱). Expanded auditor's report disclosures and loan contracting. *Contemporary Accounting Research*, ۳۸(۴), ۳۲۱۴-۳۲۵۳.

<https://doi.org/10.1111/1911-3846.12729>

Rautiainen, A., Saastamoinen, J., & Pajunen, K. (۲۰۲۱). Do key audit matters (KAMs) matter? Auditors' perceptions of KAMs and audit quality in Finland. *Managerial Auditing Journal*, ۳۴(۳), ۳۸۶-۴۰۴. <https://doi.org/10.1108/MAJ-05-2020-2668>

Roychowdhury, S. (۲۰۰۶). Earnings management through real activities manipulation. *Journal of Accounting and Economics*, ۴۲(۳), ۳۳۵-۳۷۰.

<https://doi.org/10.1016/j.jacceco.2006.01.002>

Sadri, N., & Ranjbar, M. N. (۲۰۲۵). The impact of key issues of risk-based auditing at the company level and at the account level on stock price synchronicity with respect to governmental and non-governmental institutional ownership. *Knowledge of Management Accounting and Auditing*, ۱۴(۵۴), ۱۳۱-۱۵۰. [In Persian].

Sai, Q., Li, Y., Liu, Y., Zhao, H., & Ouyang, S. (۲۰۲۴). Audit report information improvement and earnings management. *International Journal of Finance and Economics*, ۲۹(۱), ۴۲۵-۴۴۲. <https://doi.org/10.1002/ijfe.2561>

Seebeck, A., & Kaya, D. (۲۰۲۳). The power of words: An empirical analysis of the communicative value of extended auditor reports. *The European Accounting Review*, ۳۲(۵), ۱۱۸۵-۱۲۱۵.

<https://doi.org/10.1080/09638180.2022.2041199>

Sikka, P. (۲۰۰۹). Financial crisis and the silence of the auditors. *Accounting, Organizations and Society*, ۳۴(۶-۷), ۸۶۸-۸۷۳.

Smith, K. W. (۲۰۲۳). Tell me more: A content analysis of expanded auditor reporting in the United Kingdom. *Accounting, Organizations and Society*, ۱۰۸, ۱۰۱۴۵۶.

Van Tendeloo, B., & Vanstraelen, A. (۲۰۰۸). Earnings management and audit quality in Europe: Evidence from the private client segment market. *The European Accounting Review*, ۱۷(۳), ۴۴۷-۴۶۹.

Vorst, P. (۲۰۱۶). Real earnings management and long-term operating performance: The role of reversals in discretionary investment cuts. *The Accounting Review*, ۹۱(۴), ۱۲۱۹-۱۲۵۶.

Zhao, Z. (۲۰۲۲). Study on the governance effect of key audit matters disclosure on surplus management. *Frontiers in Business, Economics and Management*, ۵(۳), ۱۶۷-۱۷۴.